

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان: شروین احمدی

۰۱ اپریل ۲۰۲۴

جنگ بین فرانسه و روسیه؟

رئیس جمهور و همدستان رسانه‌ی او چگونه رقابت سیاسی را زیر پرچم جنگ پیش می‌برند؟



استفاده ابزاری از جنگی با خطر درگیری هسته‌ای با تهدید فرستادن "نیروهای نظامی" به میدان، آنهم با هدف کم کردن نفوذ رقبای سیاسی در انتخابات اروپا، شعبده بازی است که با قصد از آن خود کردن بحث‌های عمومی انجام می‌گیرد.

جنگ بین فرانسه و روسیه؟ فرضیه‌ای که پیش از این غیرقابل تصور بود، پس از اعلام مواضع آقای امانوئل ماکرون مبنی بر "حیاتی بودن این جنگ" و اعزام "نیروهای نظامی" به اوکراین مطرح شد. از آن زمان، لحن پرخاشگرانه میان پاریس و مسکو اوج گرفته است. تشدید تنش‌هایی که به نظر می‌رسد باعث شادی رسانه‌های فرانسوی شده است که همسو با رئیس جمهوری هستند.

اصحاب کیمیا سرانجام پس از تلاش‌های بی‌پایان، اکسیر خود را یافتند. در پایان زمستان، روزنامه نگاران فرانسوی کوشیدند تا یک "غزش زبانی" ریاست جمهوری را همچون گوهری از تحلیل ژئوپلیتیک ستایش کنند. آقای امانوئل ماکرون در روز دوشنبه ۲۶ فبروری ۲۰۲۴ در پایان جلسه بین‌المللی حمایت از اوکراین که بتازگی در پاریس به پایان رسیده بود، اعلام کرد "امروز هیچ اتفاق نظری به صورت رسمی، پذیرفته و تأیید شده برای اعزام نیرو نظامی میدانی

به اوکراین وجود ندارد. اما، در چارچوب تحولات، هیچ امکانی نباید نادیده گرفته شود. ما هر کاری که لازم باشد انجام خواهیم داد تا اطمینان حاصل کنیم که روسیه نتواند در این جنگ پیروز شود".

در ساعات پس از این اعلام رئیس جمهوری، سیلی از مخالفت با این سخنان فرود آمد. اولاف شولز، صدراعظم آلمان، در پاسخ به شریک فرانسوی که همیشه زیادی پر حرف است، به چند کلمه بسنده کرد: "یک چیز واضح است: هیچ نیروی زمینی از کشورهای اروپایی یا ناتو فرستاده نخواهد شد" (X، ۲۷ فبروری). یکی از دو تن حامیان اصلی کی یف، دونالد تاسک، نخست وزیر پولند در کنار همتای چک خود، در یک کنفرانس مطبوعاتی توضیح داد: "ما در حال بررسی اعزام نیرو به اوکراین نیستیم و در این مورد موضع مشترکی با پراگ داریم". یکی از مقامات این سازمان نظامی تحت رهبری واشنگتن (ناتو) به خبرگزاری فرانسه گفت: "هیچ برنامه ای برای حضور میدانی نیروهای نظامی ناتو در اوکراین وجود ندارد".

در ایالات متحده، دقیقاً، سخنگویان کاخ سفید، وزارت امور خارجه و پنتاگون به نوبت شلنگ آتش نشانی به دست گرفتند: آقای جان کربی، سخنگوی رئیس جمهور آمریکا، بروشنی تأکید کرد: "هیچ نیروی امریکایی در اوکراین در میدان درگیر نخواهند شد". ریشی سوناک، نخست وزیر بریتانیا موافقتش با این نظر را اعلام کرد: "ما در حال برنامه ریزی برای استقرار میدانی در مقیاس بزرگ نیستیم". اسپانیا، ایتالیا، هنگری، سویدن نیز مخالفت خود را با نظرات مشعشعانه ستراتیژیست بزرگ الیزه اعلام کردند.

هر اظهار نظر آقای مکرون به یک رسوائی تبدیل می شود: به دور از دامن زدن به "ابهام ستراتیژیک" ادعائی اش، گویا او فقط به دنبال نشان دادن "اتفاق نظر" غربی ها - از جمله آقای شولز - در امتناع اعزام سرباز به جنگ با ارتش روسیه بوده است. رئیس سرویس خارجی روزنامه محافظه کار آلمانی فرانکفورتر آگامینه سایتونگ (۲۷ فبروری) که سیاست خارجی پاریس را مجموعه ای از ابتکارات "کم سنجیده و کم فکر شده" توصیف می کند، نتیجه می گیرد: "این را نمی توان جدی گرفت". نیویورک تایمز وضعیت را چنین خلاصه می کند: "مکرون که به دنبال نگران کردن کرملین بود، به عکس متحدان خود را شوکه کرد" (۲۹ فبروری).

رادیو فرانس ... به صف خبردار

اما، خوشبختانه رئیس دولت فرانسه تنها نیست، در حالی که رهبران خارجی در صلاحیت او تردید دارند، یک لشکر چاپلوسان سه رنگ متشکل از ده ها روزنامه نگار و کارشناس برای بزرگداشت موفقیت ستراتیژیک او به صحنه می آیند. آنها که از دو سال پیش در حمایت از کیف بسیج شده اند، رؤیای رویارویی نظامی مستقیم تری با روسیه را در سر می پروراندند. آنها اشتباه رئیس جمهور را همچون یک غافلگیری الهی می پرستند.

پیر سرونت (روزنامه نگار به اصطلاح متخصص ستراتیژی نظامی همیشه حاضر در صحنه م.) با اشاره به "ابهام ستراتیژیک" مورد استناد آقای مکرون، در شبکه تلویزیونی LCI اعتراف می کند که "متعجب و در عین حال خوشحال است" و این "بیانیه بسیار درخور شرایط" را تحسین می کند. برای این طرفدار سینه چاک آتلانتیس، این سخنان از پیش "آماده"، اندیشیده و سنجیده بیان شده بود (۲۷ فبروری). اظهارات مکرون همچون ضربه ای غافلگیرکننده به نظر می رسد حتی از انتظارات مفسران پیشی گرفت و آنها در آن هیچ لغزش زبانی مشاهده نکردند. لوموند با لطف از یکی از مشاوران کاخ الیزه نقل قول می کند که "نظرات امانوئل مکرون همیشه بسیار سنجیده است" (۱۴ مارچ). سربازان چکمه پوش روزنامه نگاری دولتی برای مبارزه با احساس تقریباً عمومی فرانسویان از

پرخاشگری غیر حرفه‌ای مکرر بسیج شدند. تا جایی که رقابت نوک‌صفتانه آنها صحنه تئاتری مضحک را تداعی می‌کرد. ۲۹ فبروری در شبکه تلویزیونی: LCI

ژان کوآترمر، خبرنگار لیبراسیون در بروکسل: امانوئل مکرر بدرستی صحبت کرد. [...] او کسی را غافلگیر نکرد، از قبل همه در جریان قرار گرفته بودند.

دیوید پوجاداس: آه بله، اما آنچه شما می‌گوئید مهم است زیرا در نگاهی که ما به این ماجرا داشتیم، این تصور ایجاد شده بود که او دست به ابتکاری غافلگیرانه زده است.

ژان کوآترمر: نه اصلاً!

ایزابل لاسر، روزنامه‌نگار فیگارو: کاملاً سازماندهی شده بود! حتی سویدنی‌ها نیز در جریان قرار گرفته بودند.

ژان کوآترمر: و کشورهای بالت‌ها هم!

ایزابل لاسر: به هیچ وجه غافلگیرانه نبود [او فریاد می‌زند].

ژان کوآترمر: کاملاً، هیچ غافلگیری! و هدف امانوئل مکرر چه بود؟ ایجاد ابهام، دقیقاً ابهام ستراتیژیک.

چنین شور چاپلوسانه‌ای حتی باعث حسادت ستون نویس‌های صبحگاهی رادیو فرانس اینتر می‌شود... زیرا از تقریباً دو سال قبل این رادیوی دولتی نیز تلاش می‌کند با جانبداری موشکافانه‌ای این درگیری را پوشش دهد. به صف شده با صدای شیپور جنگی، مفسرین آن در پشت میکروفن طوطی‌وار آنچه را که در میهمانی‌های شبانه "کلوب ضد روسی" داریوس روچین (به اصطلاح خبرنگار) در شبکه LCI شنیده‌اند، بازتولید می‌کنند. همیشه همان مهمانان در برنامه شرکت دارند، اگرچه شبکه گروه بوئیگ (Bouygues) تعداد زیادی از مسئولین نظامی سابق ناتو را نیز دعوت می‌کند.

در ۲۸ فبروری، نیکلا دموراند و لئا سالمه (دو تن از "گل‌های سرسبز" خبرنگاری رسانه‌ای) همچنین از پیر سرونت و ایزابل لاسر خواستند تا در مورد "حرف‌های غافلگیرانه" ریاست جمهوری اظهار نظر کنند، اما اینبار وزیر امور خارجه سابق هویر ودرین نیز حضور داشت. سرونت سخنان روز قبل خود را در LCI از سر می‌گیرد: بیانیه آقای مکرر "بسیار سنجیده"، "به موقع و بجا" بود و برای اضافه کردن آب و روغن دست به دامان فراخوان ۱۸ جون جنرال دوگل برای مقاومت در مقابل اشغالگر المانی می‌شود و روضه خوانی همیشگی‌اش را در باره کوری رهبران غربی در توافق مونیخ (سال ۱۹۳۸ با هیتلر) تکرار می‌کند: "اگر از همان ابتداء با شدت در مقابل او ایستاده بودیم، مصیبت‌های بعدی را نداشتیم". آقای ودرین نیز ضمن عدم دفاع از اوج‌گیری تشنج، خواستار تحویل سریعتر راکت‌ها و هواپیماهای جنگنده به اوکراین شد.

این خویشتن‌داری (نسبی) ودرین، موجب خشم آقای سرونت می‌شود. او وزیر سابق را متهم می‌کند که "آلت دست روشنفکری پوتین و سخنگوی شکلی از تسلیم" است. ودرین در مقابل این "جمع‌بندی احمقانه"، انتقاد خود از اظهارات رئیس‌جمهور فرانسه را چنین شرح می‌دهد: "اعلام موضع، تصحیح آن روز بعد، صحبت از اعزام نیروهای غیر نظامی که در واقع گویا نیروی نظامی هستند، فرستادن پیام ضعف از سوی ما به پوتین است".

اما چند دقیقه پیش از آن، یائل گوس، ستون‌نویس سیاست داخلی این شبکه، توضیح داده بود که هدف آقای مکرر کمتر به دنبال تحت‌تأثیر قرار دادن همتای روس خود بود تا "برجسته کردن اهمیت انتخابات اروپا در ۹ جون". او با شادی ادامه داده بود: "چنین موضعگیری، تناقضات حزب "اجتماع ملی" لوپن و تاریخ طولانی پوتین پرستی آن و این "صلح عجیب" غیرمتعهدها، که بخشی از چپ نیز از آن دفاع می‌کند، را در کانون توجه قرار داد".

استفاده ابزاری از جنگی با خطر درگیری هسته‌ای با تهدید فرستادن "نیروهای نظامی" به میدان، آنهم با هدف کم کردن نفوذ رقبای سیاسی در انتخابات اروپا، شعبده بازی است که با قصد از آن خود کردن بحث‌های عمومی انجام می‌گیرد و از نظر رادیوی دولتی فرانس اینتر اصلاً مشکل ساز نیست.

از نظر کثرت گرائی و بی طرفی در بحث ها ، بدترین اتفاق ها هنوز در راه بود. نه در یک شبکه خصوصی که مدام اطلاعات-تبلیغات نفرت انگیز پخش می کند، بلکه در رادیوی فرانس کولتور(شبکه فرهنگی) ، آنهم در یک برنامه عصر یکشنبه که در مورد مسائل جاری صحبت می شود. در ۳ مارچ، چهار سخنران در یک "بحث و مناظره" دعوت شده بودند: سیلوی کافمن سردبیر لوموند ، ژان فرانسوا کولوزیمو مدیر انتشارات Le Cerf ، آن لورن بوژون مدیر مجله Esprit ، و تیری پچ، مدیر کل Terra Nova (اتاق فکری به اصطلاح مترقی چپ راست گرا). کافمن که بحث را آغاز کرد، تلاش نمود ابتداء نظرات الیزه را روشن کند و سپس نظر خود را در مورد آن بیان نماید. "تصادفاً"، آنها بر هم منطبق هستند: "این خط قرمز اعزام نیرو به اوکراین را در لحظه معینی می‌توان قابل عبور در نظر گرفت، که پاسخی خواهد بود به تجاوز روسیه". یافتن یک راه حل دیپلماتیک فعلاً در دستور روز نیست زیرا "ولادیمیر پوتین دیگر طرف مذاکره معتبری برای آن نیست". آقای کولوسیمو با او مخالفت نیست: "ما نوعی شرارت داریم که مسلط بر کرملین است و این شرارت باید مرعوب شود زیرا فقط قانون زور و خشونت را می‌شناسد".

با "نگاهی" دقیق‌تر، آقای پچ نیز با نظر ایندو موافق است: "ولادیمیر پوتین دارای دیدگاه مشترکی با اسامه بن لادن، داعش و دیگر شخصیت‌ها است، او فکر می‌کند که ما گله ای از مردم نسبتاً مرفه و ترسو هستیم که بیش از همه نمی‌خواهد چیزی تغییر کند و حاضر نیست برای دونیاس بمیرد". سپس نتیجه می‌گیرد: "به همین دلیل پیامی که رئیس جمهور فرانسه فرستاد ، کار درستی است". مجری برنامه، هروه گاردت، که شاهد تطابق تقریباً کامل نظرات سه مناظره کننده اول است، به امید عقیده ای متفاوت هر چند کوچک ، به چهارمین نفر روی می‌آورد. متأسفانه برای وی ، مدیر مجله Esprit تا حد زیادی با آنچه گفته شد موافق است و حتی می‌افزاید: "سال هاست که حزب های " فرانسه تسلیم ناپذیر" و "اجتماع ملی" در قبال روسیه عیب پوشی مجرمانه ای دارند". سخنانی که دقیقاً همان موضع کاخ الیزه برای انتخابات اروپا است...

همراه با حمایت از اسرائیل، جنگ اوکراین یکی از موضوعات نادری است که در آن کنشگری افراطی جای بررسی باکیفیت روزنامه نگاری را می‌گیرد. امانوئل گرینزیان، خبرنگار لوموند، در پاسخ به یکی از کاربران اینترنت که در طی یک تبادل پیام آنلاین از او می‌پرسد که آیا "روس‌های خوب و طرفدار پوتین" هم وجود دارند، پاسخ داد: "آیا یک طرفدار نازی می‌تواند به نظر شما خوب بیاید؟ این هم دقیقاً مثل اوست" (۵ مارچ). می‌توان از خود پرسید که اگر روزنامه نگاری جرأت می‌کرد همین اظهارات را علیه ایالات متحده یا اسرائیل بیان کند، فعالیت حرفه‌ای اش چند ساعت(و حتی دقیقه) ادامه می‌داشت ... اما در مورد روسیه، گفتن هر چیزی مجاز است. لور ماندویل در فیگارو، داریوس روشیین در LCI ، السا ویدال در رادیو فرانسه بین‌المللی، ماریون ون رنترگم در L'Express در بیان موعظه‌های جنگجویانه با هم رقابت می‌کنند ، اما کلمه ای درباره نسل کشی غزه به زبان نمی‌آورند. آنها همیشه از همان متخصصانی نام می‌برند که برای بحث دعوتشان می‌کنند که تبلیغاتچی اوج گیری و تشدید نظامی هستند: برونو ترترایس، توماس گومارت، برنارد هانری لوی، پیر سرونت، نیکلا تنزر.

نیکلا تنزر، عضو یک اندیشکده نزدیک به ناتو، که در مؤسسه مطالعات سیاسی پاریس تدریس می‌کند، دستور العمل‌های فکری سیریل هانوتونا(مجری برنامه های مبتذل) را در حوزه ژئوپلیتیک به عاریت می‌گیرد: تحریک کودکانه احساسات. که البته با موفقیتی مشابه همراه و حضور رسانه وی را در مقایسه با سال ۲۰۲۱، ۱۸ برابر کرده

است (۱). تنزر در رادیوی فرانس انفو (۱۷ مارچ) می‌گوید آقای مکرون "کاملاً حق دارد"، اما ما باید خیلی جلوتر برویم "روسیه یک کوتوله در حال زوال است و رئیس جمهور آن "یک جنایتکار مافیائی حقیر". و از آنجائی که "این جنگ ماست"، "حق نداریم بگذاریم فقط اوکراینی‌ها باشند که برای ما بجنگند". از این گذشته، "ما قادریم روسیه را از نظر فیزیکی نابود کنیم". و در مورد گزینه مذاکره او معتقد است که این "یا سازش است، یا فساد، یا حماقت".

با وجود این هیاهوی جنگ افروزی، فرانسوی‌ها تمایلی به جنگ ندارند. با گذشت ماه‌ها، تصویر اوکراین، اگرچه هنوز مطلوب، اما بدتر شده است. تمایل به ارسال تجهیزات نظامی تهاجمی (که هیچ طرفی در مورد آن صحبت نمی‌کند) تنها مورد تأیید نیمی از افرادی است که مورد نظرخواهی قرار گرفته‌اند و اکثریت آنها مخالف ورود کی‌یف به اتحادیه اروپا هستند. آقای مکرون حداقل در یک نقطه توانسته هموطنان خود را با هم آشتی دهد: آنها تقریباً به اتفاق آراء (۷۶٪) مخالف اعزام نیروهای فرانسوی برای جنگ در اوکراین و مخالف آن کسی هستند که چنین موضعی را مطرح کرده است (۲).

اما نظر فرانسوی‌ها برای مکرون چه اهمیتی دارد وقتی در ستراتیژی خود با هدف تقلیل چشم انداز سیاسی به مسأله اوکراین، و قطب بندی بین "مبارزان جبهه مقاومت" * (حزب رنسانس مکرون، متحدان آن و همچنین حامیان آقای رافائل گلوکسمن) و "همدستان نازی" ("فرانسه تسلیم ناپذیر" و "اجتماع ملی" و کمونیست‌ها)، الیزه می‌تواند روی یک "ضد قدرت" (نقش ادعائی رسانه در حکومت لیبرالی.م) حساب کند که با لذت مجدداً جوهرهای مک کارتیستی (۳) خود را کشف می‌کند و رگبار توهین را بر سر هرکسی فرو می‌بارد که نسبت به غرب به اندازه کافی غیرت نداشته باشد. توماس لگراند، روزنامه‌نگار فرانس اینتر و ستون‌نویس لیبراسیون، یادآوری می‌کند که "فرانسه تسلیم ناپذیر"، حزب کمونیست و چندین روزنامه مانند ماریان"، "یادآور نگرش طرفداری از پتن برخی از نخبگان اواخر دهه ۱۹۳۰ هستند" (۱۱ مارچ ۲۰۲۴). او می‌افزاید: "ما می‌توانیم شباهت‌های چشمگیر و ترسناکی با گفتمان نیروهای صلح طلب و سپس همدست (نازی‌ها) را مشاهده کنیم". او سپس پاسکال بونیفیس، مدیر فعلی مؤسسه روابط بین‌الملل و ستراتیژیک (IRIS) را با سوسیالیست سابق طرفدار نازی، مارچل دات مقایسه می‌کند. به نوبه خود، برنارد هانری لوی به دلیل "همدستی با بدترین طرفداران تئوری توطئه"، نخست‌وزیر سابق دومینیک دو ویلین را مجرم اعلام می‌کند (Le Parisien، ۱۷ مارچ ۲۰۲۴) و سر مقاله‌نویس نشریه "لوموند کتاب" امانوئل تاد را متهم به "ستایش بربریت" می‌نماید (۲۰ جنوری ۲۰۲۴).

" باید کسانی را به اودسا بفرستم"

توماس لگراند در مقاله دیگری در لیبراسیون با عنوان "روسیه رسانه‌های خود را در فرانسه دارد" (۱۵ مارچ ۲۰۲۴)، شبکه رسانه‌ی گروه بولوره را به "ماشین‌هائی برای قطبی کردن، گیج‌کردن و چند دسته کردن افکار عمومی" تشبیه می‌کند که به این ترتیب، "عملاً در خدمت ستراتیژی کرملین برای تضعیف دموکراسی‌های لیبرال هستند". اما آیا قطبی کردن چشم انداز سیاسی در دو سوی جبهه اوکراین، دقیقاً ستراتیژی ریاست جمهوری برای همدست نشان دادن "افراطی‌ها" با اردوگاه شیطان نیست؟ مگر نه این که فراتر از دشمنی‌های ظاهری CNews (متعلق به میلیارد و نسان بولوره) و رادیوی دولتی فرانس انتر، رویکرد مشابهی برای جذب مخاطب دارند. رسانه‌های راست افراطی از تسخیر مجدد "سرزمین‌های از دست رفته جمهوری" حمایت و مهاجران و "چپ اسلام‌گرا" را دشمنان داخلی خود معرفی می‌کنند. کسانی که راست افراطی خواستار جنگ ناتو علیه روسیه است، آنها را

همچون ستون پنجم مسکو در فرانسه محکوم می‌کند. فریادهای گروه اول صلح مدنی در فرانسه را تهدید می‌کند و هیاهوی دومی ها صلح جهانی را.

آقای مکرون در مقابل گروهی از میهمانانی که در الیزه جمع شده بودند، طبق معمول با بدیهه‌گویی اظهار داشت: "به هر حال، سال آینده، من باید کسانی را به اودسا بفرستم" (لوموند، ۱۵ مارچ ۲۰۲۴). فرانسوی‌ها در طول سه سال آینده، باید با رئیس‌جمهوری پریشان حال سرکنند که از اختیارات قابل توجهی برخوردار است. از آن بدتر نمی‌توانند روی رسانه هایشان حساب کنند که لااقل او را به داشتن رفتار منطقی تر تشویق نمایند.

*استفاده از خاطره تاریخی فرانسویان از هنرهای روزنامه نگاری نوکر صفت (بخوان جایگزین های کشیش های قرن نوزدهم) است. آنها چپ فرانسه را که نیروی اصلی جبهه مقاومت فرانسه بود، همدست اشغالگران نازی می خوانند و راست فرانسه، از جمله صاحبان صنایع بزرگ و جنرال های اشراف زاده را "نیروی مقاومت" توصیف می کنند. سرقت قهرمانان تاریخی جبهه مقاومت که اکثریت آنها چپ بودند از دوران مکرون آغاز نشده است. راست فرانسه به همراه همدستان سوسیالیست خود در گرایش نزدیکی به نظریات راست افراطی ، چهره ننگین خود را با دفاع از قهرمانان تاریخی چپ بزک می کند. سارکوزی از گی موکه، جوان کمونیستی که در راه دفاع از فرانسه کشته شد، یاد می کند و فرانسوا اولاند ستایشگر ژان ژورس بنیانگذار روزنامه اومانیتیه می شود. مکرون در مراسمی چشمگیر مانوئیلان، چهره برجسته مبارزان مهاجر در جبهه مقاومت فرانسه را پانتئونیزه می کند در همان حال برای جلب رضایت راست افراطی قوانین سخت ضد مهاجرت وضع می نماید. دیگر جای تعجب نیست که طرفداران حزب "اجتماع ملی" مارین لوپن در تظاهرات خود سرود "بلاجا" را بخوانند. مترجم

پی نوشت:

۱- به اساس اندازه گیری استنادات در مطبوعات و رسانه های سمعی و بصری توسط Europresse تهیه شده است.

۲- Sondage IFOP du 23 février 2024 et sondage CSA des 27-28 février 2024.

۳- جوزف مک کارتی، سناتور جمهوری خواه، که در مورد "دشمن درونی" و سواسی بیمارگونه داشت، یک جنگ صلیبی ضد کمونیستی را در اوایل دهه ۱۹۵۰ در ایالات متحده به راه انداخت. بسیاری از امریکائی ها شغل خود را از دست دادند (مانند پدر شون پن)، عده ای تبعید شدند (از جمله چارلی چاپلین) و کسانی زندان را تجربه کردند.

نویسندگان Renaud LAMBERT: روزنامه نگار ، Serge HALIMI دبیر هیأت تحریریه لوموند دیپلوما تیک منبع : این مقاله با عنوان فرعی "سربازان فرانسوی در اوکراین"، کرنش رسانه ها در مقابل تلبیس ریاست جمهوری" و عنوان اصلی سگ های هار جنگ طلب از نو به صحنه می آیند در لوموند دیپلماتیک منتشر شده است.